



### پاسخ خودارزیابی‌های درس دوازدهم

۱) در کدام یک از بیت‌های زیر اسلوب معادله آمده است؟ توضیح دهید.

□ نیست پروا تلخکامان را ز تلخی‌های عشق      آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است (صائب)

✍ در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. در نگاه اول، شاید ارتباطی میان دو مصراع دیده نشود، اما اگر دقت کنیم، مصراع دوم در حکم مثال و مصداقی برای مصراع اول است و حتی می‌توان جای دو مصراع را با هم عوض کرد. به بیان بهتر، شاعر معتقد است عاشقان از سختی راه عشق هراسی ندارند، همانطور که آب دریا به مذاق ماهی خوش می‌آید و از آن هراسی ندارد.

□ فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را      عشرت امروز بی‌اندیشه فردا خوش است (صائب)

✍ در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا مصراع دوم مثال و مصداقی برای اثبات سخن شاعر در مصراع اول است یعنی کلمات مصراع دوم، معادلی برای مصراع اول هستند.

به بیان بهتر، در مصراع اول شاعر می‌گوید: فکر روز شنبه که شروع کار و تحصیل هفتگی و پایان تعطیلی است، جمعه را برای کودکان تلخ می‌کند؛ همانطور نیز عشرت و خوشی امروز، فقط بدون فکر کردن به فردا خوشایند است، زیرا فکر آینده خاطر انسان را مشوش و نگران می‌کند.



□ با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است (صائِب)

که در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا دو مصراع قابل جابه جا کردن است و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است. بی نیازی از مردم در کمال نیاز به آنها خوشایند است؛ همانطور که مردن از شدت تشنگی بر لب دریا خوش است.

□ تنور لاله چنان برفروخت باد بهار که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد (حافظ)

که این بیت اسلوب معادله ندارد.

□ پشت گوژ آمد فلک در آفرینش تا کند هر زمان پیشت زمین بوس از برای افتخار (سعدی)

که این بیت اسلوب معادله ندارد.

□ سرکشان را فکند تیغ مکافات ز پای شعله را زود نشانند به خاکستر خویش (حریرن لاهیجی)

که در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا مصراع دوم مثال و مصداقی برای اثبات سخن شاعر در مصراع اول است یعنی کلمات مصراع دوم، معادلی برای مصراع اول هستند. به عبارتی دیگر بین دو مصراع می توان علامت مساوی گذاشت یا جای دو مصراع را تغییر داد.

انسان های سرکش خیلی زود به مکافات عملشان می رسند، همانطور که شعله خیلی زود در خاکستر خودش می نشیند و تمام می شود.

□ بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود پسته بی مغز چون لب وا کند، رسوا شود (صائِب)

که در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا مصراع دوم مثال و مصداقی برای اثبات سخن شاعر در مصراع اول است یعنی کلمات مصراع دوم، معادلی برای مصراع اول هستند. به عبارتی دیگر بین دو مصراع می توان علامت مساوی گذاشت یا جای دو مصراع را تغییر داد.

به بیان بهتر، شاعر در مصراع نخست می گوید که نقص انسان هنگام سخن گفتن عیان می شود و در مصراع دوم با تمثیل رسوایی پسته بدون مغز به محض باز کردن دهان، همان مطلب را تأکید می کند.

□ آزاده را جفای فلک بیش می رسد اول بلا به عاقبت اندیش می رسد (امیری فیروزکوهی)

که در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا دو مصراع قابل جابه جا کردن است و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است. به بیان بهتر، جفا و ستم روزگار بیشتر به انسان های آزاده می رسد، همانطور که بلاها ابتدا بر سر انسان عاقبت اندیش فرو می ریزد.

□ ملامت از دل سعدی فرو نشوید عشق سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است (سعدی)

که در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا دو مصراع قابل جابه جا کردن است و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است. ملامت دیگران باعث نمی شود که سعدی از عشق دست بشوید و آن را ترک کند؛ همانطور که سیاهی پوست حبشی هیچگاه از او زدوده نمی شود، زیرا بخشی از وجود اوست.

**توجه:** در این خودارزیابی فقط دو بیت اسلوب معادله ندارد. در بقیه ابیات، این آرایه دریافت می شود. لازم به ذکر است که در اسلوب معادله باید بتوان بین دو مصراع مساوی گذاشت یا جای دو مصراع را تغییر داد. در واقع هر مصراع معنی کاملی می دهد و مصراع بعدی فقط برای فهم بیشتر مصراع دیگر است.

## ۲) در بیت ها و عبارات های زیر حس آمیزی را بیابید و توضیح دهید.

□ خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آنها چشانند. (نحل / ۱۱۲)

که لباس را باید پوشید نه چشید. لباس پوشیدنی است نه چشیدنی. حس لامسه با حس چشایی در آمیخته شده است.

□ نجوای نمناک علفها را می شنوم. (سهراب سپهری)

که نمناک بودن را نباید برای نجوا به کار برد. شاعر حس لامسه را با حس شنوایی در آمیخته است.



□ از این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد؟ (حافظ)

کله «شعر تر»: در این ترکیب دو حس شنوایی و لامسه درآمیخته‌اند. در ترکیب «شعر شیرین» دو حس شنوایی و چشایی با هم درآمیخته‌اند

□ ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم؛ لیک تلخی که از زبان تو آید، شنیدنی است (طالب آملی)

کله تلخی را باید چشید نه شنید. در اینجا ترکیب دو حس چشایی و شنوایی حس آمیزی را پدید آورده‌است.

□ بوی دهن تو از چمن می‌شنوم رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم (مولوی)

کله «بو» شنیدنی نیست همین‌طور رنگ، بو مربوط به بویایی است و رنگ مربوط به حس بینایی. (بویایی + بینایی)

□ خط شکسته را هم محکم تر و بامزه‌تر از دیگران می‌نوشت. (عبدالله مستوفی)

کله «خط را بامزه‌تر نوشتن» حس آمیزی دارد زیرا «مزه» مربوط به حس چشایی است و «خط» دیداری است.

### ۳) در کدام یک از بیت‌های زیر آرایه حسن تعلیل یافت می‌شود؟ توضیح دهید.

- عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل اندام در خاک خفت (سعدی)
- کله بیت حسن تعلیل دارد. سعدی برای شکفتن گل از خاک که یک امر طبیعی است دلیلی منطقی نیاورده‌است و علت رویدن و شکفتن گل را از خاک، مدفون بودن زیبارویان بسیاری در خاک می‌داند. مصراع دوم یک دلیل ادعایی بیش نیست اما شنونده آن را می‌پذیرد.
- اشک سحر زدايد از لوح دل سیاہی خرم کند چمن را باران صبحگاهی (رهی معیری)
- کله در این بیت اسلوب معادله به کار رفته‌است زیرا دو مصراع قابل جابه‌جا کردن است و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است.
- به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوكبها (صانچ)
- کله بیت حسن تعلیل دارد. شاعر برای چشم‌زدن ستارگان یک دلیل زیبا آورده‌است نه دلیل منطقی. چون علت چشم‌زدن ستارگان را کرشمه کردن یار برای آسمان می‌داند.
- سپهر مردم دون را کند خریداری بخیل سوی متاعی رود که ارزان است (نظم هروی)
- کله در این بیت اسلوب معادله به کار رفته‌است زیرا دو مصراع قابل جابه‌جا کردن است و مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است.
- خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان‌دیده که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را (نظامی)
- کله بیت حسن تعلیل دارد. نظامی گنجوی در بیت بالا برای خمیدگی قامت پیران که یک پدیده طبیعی است، یک علت ادبی و خیالی آورده‌است و می‌گوید: «پیران جهان‌دیده به این علت قامتشان خمیده شده‌است که در خاک به دنبال روزگار جوانی از دست رفته خود می‌گردند.»



## کارگاه تحلیل فصل

۱) اشعار زیر در چه قالبی سروده شده‌است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی و وزن واژه‌های هر مصراع، تفاوت این نوع شعر را با اشعار سنتی بیان کنید.

و صدای باد هر دم دلگزاتر / در صدای باد بانگ او رهاتر، / از میان آب‌های دور و نزدیک، / باز در گوش این نداها: «آی آدم‌ها»  
(نیمای یوشیچ)

و صدای / با دهر دم / دلگزاتر	پایه‌های آوایی	و صدای باد هر دم دلگزاتر
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	وزن واژه	
--U- / --U- / --UU	نشانه‌های هجایی	
در صدای باد بانگ او رهاتر	پایه‌های آوایی	در صدای باد بانگ او رهاتر
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	وزن واژه	
--U- / --U- / --U-	نشانه‌های هجایی	
از میان آب‌های دور و نزدیک	پایه‌های آوایی	از میان آب‌های دور و نزدیک
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	وزن واژه	
--U- / --U- / --U-	نشانه‌های هجایی	
باز در گوش این نداها	پایه‌های آوایی	باز در گوش این نداها
فاعلاتن فاعلاتن	وزن واژه	
--U- / --U-	نشانه‌های هجایی	
آی آدم‌ها	پایه‌های آوایی	آی آدم‌ها
فاعلاتن / فع	وزن واژه	
- / --U-	نشانه‌های هجایی	

در این شعر (قالب نیمایی) همان‌طور که در جدا کردن ارکان آن دیده می‌شود، در هر مصرع تعداد ارکان با مصرع دیگر متفاوت است و بر همین اساس تعداد هجاها برابر نیست و مصرع‌ها کوتاه و بلند شده‌اند. به بیان دیگر تعداد وزن واژه‌های هر بخش آن یکسان نیست. اما در شعر سنتی در هر مصرع تعداد ارکان با مصرع‌های دیگر برابر است.  
\* همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید، در هجاهای قابل توجهی، اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه وجود دارد. یک اختیار وزنی نیز در هجای آخر مصراع سوم وجود دارد.

۲) پس از خوانش درست اشعار نیمایی زیر، پایه‌ها، وزن و نشانه‌های هجایی را مقابل هر مصراع بنویسید.

همان رنگ و همان بوی / همان برگ و همان بار / همان خنده خاموش در او خفته بسی راز / همان شرم و همان ناز (احول ثلث)

همان رنگ و همان بوی	پایه‌های آوایی	همان رنگ و همان بوی
	وزن واژه	
	نشانه‌های هجایی	
	پایه‌های آوایی	همان برگ و همان بار
	وزن واژه	
	نشانه‌های هجایی	
	پایه‌های آوایی	همان خنده خاموش در او خفته بسی راز
	وزن واژه	
	نشانه‌های هجایی	
	پایه‌های آوایی	همان شرم و همان ناز
	وزن واژه	
	نشانه‌های هجایی	



۳) برای اشعار نیمایی زیر مانند نمونه بالا جدولی بکشید، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر مصراع را بنویسید؛ سپس اختیار شاعری به کار رفته در آن را مشخص کنید.

قایقی خواهم ساخت  
خواهم انداخت به آب  
دور خواهم شد از این خاک غریب  
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه عشق  
قهرمانان را بیدار کند. (سهراب سپهری)

قایقی خواهم ساخت	پایه‌های آوایی	قایقی خواهم ساخت*
نشانه‌های هجایی	وزن واژه	فاعلاتن / فع لن
پایه‌های آوایی	نشانه‌های هجایی	- - / - - U -
خواهم انداخت به آب	پایه‌های آوایی	خا هَ مَن * دا / خَتْ بِدِ آب * *
نشانه‌های هجایی	وزن واژه	فاعلاتن / فعلن
پایه‌های آوایی	نشانه‌های هجایی	- U U / - - U -
دور خواهم شد از این خاک غریب	پایه‌های آوایی	دو ر خا هَم / شَد دَ زین * خا / کِ غَ ریب *
نشانه‌های هجایی	وزن واژه	فاعلاتن فَعَلاتن فَعَلن
پایه‌های آوایی	نشانه‌های هجایی	- U U / - - U U / - - U -
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه عشق	پایه‌های آوایی	کِ دَ ران * هی / چِ کِ سی نید / سَتِ کِ دَرِ بید / شِ یِ عِشَق * *
نشانه‌های هجایی	وزن واژه	فاعلاتن فَعَلاتن فَعَلن
پایه‌های آوایی	نشانه‌های هجایی	- U U / - - U U / - - U U
قهرمانان را بیدار کند	پایه‌های آوایی	قَه رِ ما نانُ / را بید دا / رُ کُ ند
نشانه‌های هجایی	وزن واژه	فاعلاتن فَعَلاتن (مفعولن) فَعَلن
	نشانه‌های هجایی	- U U / - - U -

۴) اختیارات زبانی: حذف همزه در مصراع دوم و سوم و چهارم. شاعر در این مصراع‌ها (خواهم انداخت) را به صورت (خواهمنداخت) و (شد از این) را به صورت (شدزین) و (در آن) را به شکل (دران) تلفظ کرده‌است.

اختیارات وزنی: ۱) آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» در رکن اول اکثر مصراع‌ها ۲) بلند تلفظ کردن هجاهای پایانی مصراع‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ در رکن پایانی مصراع اول، ابدال مشاهده می‌شود که یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه آمده‌است.

۴) شعر زیر در چه قالبی سروده شده‌است؟

آن کیست که تقریر کند حال گدا را در حضرت شاهی؟

کز غلغل بلبلی چه خیر باد صبا را جز ناله و آهی؟ (ابن حسام هروی)

۵) در قالب مستزاد سروده شده‌است. زیرا مصراع‌هایی با وزن یکسان، پاره‌های افزوده کوتاهی از وزن دیگر در ادامه دارند که همگی از ابتدا تا انتها بر یک وزن هستند.

۵) با توجه به رباعی زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آغوش سحر تشنه دیدار شماس

مهتاب خجل ز نور رخسار شماس

خورشید که در اوج فلک خانه اوست

همسایه دیوار به دیوار شماس (علیرضا قزوه)



الف) دو مورد از ویژگی‌های فکری شعر را بنویسید.

ک شعر یک رباعی در توصیف عظمت مقام شهیدان، ارزش‌های انقلابی و رخدادهای دفاع مقدس است.

ب) از آرایه‌های علم بیان و بدیع، هر کدام یک مورد بیابید و توضیح دهید.

ک بیان: آغوش سحر: تشخیص (استعارهٔ مکنیه) در این ترکیب شاعر مشبه (سحر) را آورده و از مشبه به یکی از لوازمات یا ویژگی‌هایش را (آغوش) آورده‌است. در ضمن شاعر با نسبت دادن (خجل بودن) به مهتاب، تشخیص (استعارهٔ مکنیه) دیگری پدید آورده‌است. خورشید ... همسایهٔ دیوار به دیوار شامست. مصراع دوم این بیت، کنایه از بلندمرتبه‌گی و عظمت شهید است.

ک بدیع: مراعات نظیر: سحر، مهتاب، خورشید، فلک / دیدار، رخسار / خانه، همسایه / نور، مهتاب، خورشید

۶) تحقیق کنید که تضمین به کار رفته در شعر زیر از کدام شاعر است.

صدا چون بوی گل در جنبش آب      به آرامی به هر سو پخش می‌گشت  
 جوان می‌خواند سرشار از غمی گرم      پی‌دستی نوازش‌بخش می‌گشت  
 «تو که نوشم نه‌ای، نیشم چرایی؟»      تو که یارم نه‌ای، پیشم چرایی؟  
 «تو که مرهم نه‌ای، زخم دلّم را      نمک‌پاش دل ریشم چرایی؟» (فریدون توللی)

ک فریدون توللی شعری از «بابا طاهر همدانی» را تضمین کرده‌است.

۷) پس از تعیین پایه‌های آوایی و وزن هر بیت، نام بحر آن را بنویسید.

الف) ای مست شب‌رو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟      گر نیستی، پس چستی؟ ای همدم تنهای دل (مهرداد اوستا)

ای	مَسَد	ت	شَب	رَو	کِی	سَد	تِی	آ	یَا	مَ	هَ*	مَن	نِی	سَد	تِی
گَر	نِی	سَد	تِی	پَس	چِی	سَد	تِی	ای	هَم	دَ	مَ*	تَن	هَا	ی	دِل
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن					
نام بحر	رجز مثنی‌م سالم														

ب) پر از مثنوی‌های رندانه است      شب شعر عرفانی چشم تو (سید حسن حسینی)

پُ	رَزْ*	مَث	نَ	وِی	هَا	ی	رِن	دَا	نَ*	اَسْت*
شَد	بِ*	شَع	رِ	عِر	فَا	نِی	ی	چِش	مِ*	تُ*
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	U
	فعولن			فعولن			فعولن			فعل
نام بحر	مقارِب مثنی‌م محذوف									

پ) هر دم از سرگستگی چون گرد می‌پیچم به خود      هم‌رهان رفتند و من تنها به صحرا مانده‌ام (امیری فیروزکوهی)

هَر	دَ	مَزْ*	سَر	گَش	تَ	گِی	چُن	گَر	دَ	مِی	پِی	چَم	بَ	خُد
هَم	رَ	هَانْ	رَف	تَد	دَ	مَن	تَد	هَا	بَ	صَح	رَا	مَانْ	دَ	اَم
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن				
نام بحر	رمل مثنی‌م محذوف													



ت) به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی به صد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی (سعدی)

ب	پا	یا	نا*	م	دین*	دَف	تَر	ح	کا	یت	هم	چ	نان	با	قی
ب	صد	دَف	تَر	ن	شا	یَد	گف	ت	حَس	بُل	حا	ل	مُش	تا	قی
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن			
وزن واژه															
نام بحر															
هزج مثنی سالم															

### ۸) متن زیر را بخوانید و ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن را بررسی کنید.

«... مینی‌بوس با سرعت نه چندان زیاد پیش می‌رفت. نگاه کردم به مناظر اطراف جاده و مزارع و خانه‌های روستایی، بعد از هفتاد و پنج روز زندانی بودن، حسی فراموش‌نشدنی در من ایجاد می‌کرد. شکل و شمایل خانه‌های روستایی آنجا هم شبیه روستای خودمان بود و این تشابه مرا دل‌تنگ می‌کرد. کاش می‌شد گوشه‌ای بایستیم. این آرزو هنوز توی دلم بود که ناگهان صدایی مثل شلیک گلوله بلند شد و مینی‌بوس افتاد به تکان‌های شدید. لاستیکش ترکیده بود. راننده و محافظان مسلح برای تعویض لاستیک پیاده شدند. از اقبال ما بود که زاپاس مینی‌بوس هم پنجر از آب درآمد و عراقی‌ها مجبور شدند همان جا لاستیک را پنچرگیری کنند. این یعنی فرصتی برای ما که زیر نگاه سربازان مسلح عراقی روی زمین بنشینیم و مشامان را پر کنیم از بوی تازه علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان.»

#### - سطح زبانی:

- ورود واژه‌های اروپایی مانند لاستیک، زاپاس، مینی‌بوس
- کاسته شدن واژه‌های عربی نسبت به گذشته اگرچه کلماتی چون «شمایل، اقبال و تعویض» در متن به کار رفته‌است.
- تحت تأثیر قرار گرفتن نثر بر اساس گفتار اقشار اجتماع و استفاده از اصطلاح عامیانه «پنچر از آب در آمدن»
- حذف فعل در بعضی از جمله‌ها مانند: مشامان را پر کنیم از بوی تازه علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان [پر کنیم].
- کوتاهی جملات: مینی‌بوس افتاد به تکان‌های شدید. لاستیکش ترکیده بود. راننده و محافظان مسلح برای تعویض لاستیک پیاده شدند.

#### - سطح ادبی:

- نثر فنی و مصنوع در این نثر جایگاهی ندارد و متن از آرایه‌های دشوار دور است.
- زاویه دید متن، اول شخص است و راوی، مشاهدات قهرمان داستان را از زبان «من» بیان می‌کند.
- توصیف پدیده‌ها و شخصیت‌ها در نثر این دوره عینی و محسوس است: شکل و شمایل خانه‌های روستایی، بوی تازه علف، صدای گنجشک‌های آزاد آسمان
- قالب و ساختار نوشته خاطره است.

#### - سطح فکری:

- موضوع و محور اصلی این نثر جنگ و تبعات آن و بیان اتفاقات دوره اسارت است که به زبانی ساده و روان بیان شده‌است.

زندگی در صدف خویش گهر ساختن است - ولدآبادی